

## نگاه

## مهاجرت از «کار» به ارز دیجیتال

### میلاد یزدان پور

کارشناس کسب‌وکار و تحلیلگر بازارهای مالی

فضای اقتصاد ایران به نظر ناپایدار است. ناپایدار از این زاویه دید که شهروندان تصور می‌کنند بازار مناسبی برای سرمایه‌گذاری در کشور وجود ندارد و به همین دلیل براساس شرایط روز و فعل و انفعالات اقتصادی، گاه سر از بازار مسکن درمی‌آورند و گاه سر از بازار سکه، ارز و… و حالا هم «ارز دیجیتال». به‌ویژه پایش فضای ذهنی-اقتصادی شهروندان ایرانی که به نظر تعریف آنها از کار درحال تغییر است و در تعارف جدید نزد مردم، درآمد بیش از هر عامل دیگری نقش ایفا می‌کند و به نظر می‌رسد حوزه رمزارز (نه در تمام ابعاد آن) توانسته به دلیل گفته‌شده یا هر دلیل دیگری، جذابیت‌هایی برای سرمایه‌گذاران به وجود آورد و می‌توان این روند را با بررسی حجم سرمایه‌گذاران و همچنین تعداد فعالان حوزه رمزارز (با شرکت‌های موجود) به تحقیق نشست و میزان جذابیت این حوزه را براساس ارجاع به چنین پارامترهایی تخمین زد. درعین حال، رصد اوضاع و احوال بازار کار و تمایلات اقتصادی مؤید گرایش فزاینده به رمزارزها در ایران است که می‌تواند بازتابی از ناامیدی بخشی از جامعه از اقتصاد سنتنی باشد که در جست‌وجوی راه‌های جایگزین برای حفظ ارزش دارایی‌ها و کسب سود هستند؛ چراکه اقتصاد سنتی ایران به‌شدت تحت تأثیر عوامل اقتصادی و سیاسی، تورم، تحریم و سیاست‌های پولی و مالی دولت قرار دارد و با وجود تلاش‌های مکرر برای اصلاح، همچنان با چالش‌های متعددی روبه‌روست.

پیچیدگی مقررات، هزینه‌های بالای معاملات، کندی فرایندها و محدودیت‌های دسترسی به ابزارهای مالی نوین، از جمله این چالش‌ها هستند. این محدودیت‌ها، به‌ویژه برای قشر بزرگ و کارآفرینان که به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری با بازده بالا هستند، بسیار آزاردهنده است. رمزارزها با وعده حذف واسطه‌ها و ارائه سیستمی شفاف‌تر و کارآمدتر، وارد حوزه اقتصاد شده‌اند و هرچند برخی از نظریه‌پردازان اقتصادی نقدهای تندی علیه این بخش دارند، اما همچنان برای بخشی از شهروندان دارای جذابیت بالا هستند. آنچه باعث چنین جذابیتی نزد شهروندان شده است، فقط به ناکارآمدی سیستم مالی سنتی محدود نمی‌شود. فناوری بلاک‌چین، فناوری زیربنایی رمزارزها، از نظر مدافعان این حوزه به عنوان یک فناوری انقلابی در زمینه امنیت و شفافیت معرفی می‌شود. به گفته آنها، این فناوری با ایجاد یک دفتر کل توزیع‌شده و غیرمتمرکز، امکان ثبت معاملات به صورت شفاف و امن را فراهم می‌کند. این ویژگی‌ها، به‌ویژه برای اقراردی که به سیستم‌های متمرکز اعتماد ندارند، جذاب است.
بااین حال، این جذابیت نباید ما را از ریسک‌های ذاتی این بازار غافل کند. نوسانات شدید قیمت، نبود نظارت کافی و استفاده از رمزارزها در فعالیت‌های غیرقانونی، از جمله خطرات سرمایه‌گذاری در این بازار هستند. با وجود این ریسک‌ها، این حوزه فرصتی برای ایجاد یک سیستم مالی نوین و کارآمدتر است. مدافعان این حوزه معتقدند دولت و نهادهای مربوطه باید با توجه به این واقعیت، به تنظیم مقررات و نظارت بر بازار رمزارزها بپردازند و درعین حال، به اصلاح سیستم مالی سنتی نیز توجهی ویژه داشته باشند. این مقررات باید هم‌زمان از نوآوری حمایت کند و ریسک‌های ذاتی این بازار را کاهش دهد.

به هر روی، چه بخواهیم و چه نخواهیم، بخشی از جامعه به این حوزه جذب شده و در آن فعالیت می‌کنند و حاکمیت برای برقراری تعادل بین این نوآوری و حفاظت از سرمایه‌گذاران در بازار رمزارزها باید راهکار ارائه کند. دست‌کم از نظر صاحب این قلم راهکارها عبارت‌اند از:

**رویکرد تدریجی و انعطاف‌پذیر:** به‌جای وضع مقررات سخت‌گیرانه و یک‌باره، رویکردی تدریجی و انعطاف‌پذیر اتخاذ شود. مقررات ابتدا برای کاهش ریسک‌های فوری و مهم وضع شود و به‌تدریج با توجه به تغییرات بازار و تکنولوژی، به‌روزرسانی شود. این رویکرد به نوآوری اجازه می‌دهد رشد کند و درعین حال از سرمایه‌گذاران در برابر خطرات فوری محافظت می‌کند.

**شنود و همکاری با صنعت:** مقامات نظارتی باید با شرکت‌های رمزارز، کارشناسان و سرمایه‌گذاران همکاری کنند تا درک بهتری از چالش‌ها و فرصت‌های این بازار داشته باشند. این همکاری می‌تواند به ایجاد مقررات مؤثرتر و منصفانه‌تر کمک کند که هم نوآوری را حمایت کند و هم از سرمایه‌گذاران محافظت کند.

**ترویج خودتنظیمی:** تشویق خودتنظیمی در صنعت رمزارز می‌تواند به کاهش بار مقررات دولتی و درعین حال افزایش اعتماد به این بازار کمک کند. این می‌تواند شامل ایجاد سازمان‌های خودتنظیمی و تعیین استانداردهای اخلاقی و عملیاتی باشد.

**توجه به نوآوری:** مقررات باید به‌گونه‌ای باشد که نوآوری را خفه نکند. این می‌تواند شامل ایجاد یک چارچوب مقرراتی انعطاف‌پذیر و به‌روز باشد که با تغییرات تکنولوژی و بازار هماهنگ شود.

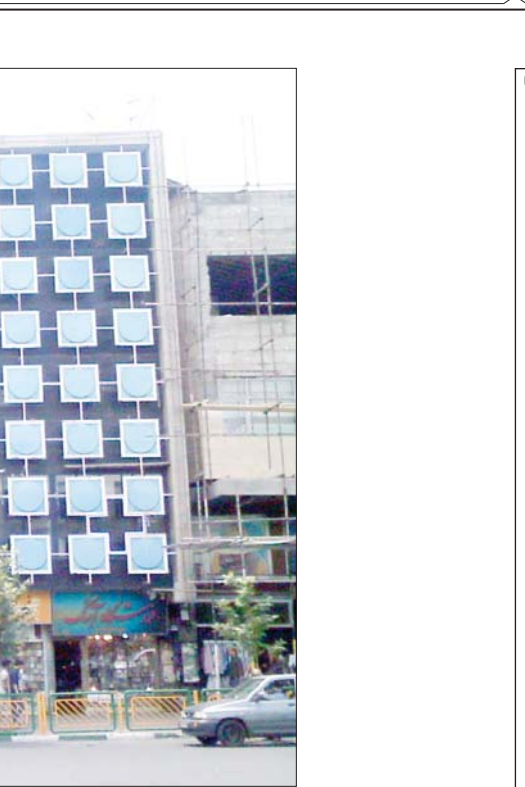
**آموزش و آگاهی:** سرمایه‌گذاران باید درباره ریسک‌های سرمایه‌گذاری در رمزارزها آموزش دیده و آگاه شوند. این می‌تواند شامل ارائه اطلاعات به‌روز و دقیق و آموزش سرمایه‌گذاران در مورد نحوه مدیریت ریسک باشد.

در نهایت، برقراری تعادل بین نوآوری و حفاظت از سرمایه‌گذاران نیازمند یک رویکرد پویا و همکاری بین مقامات نظارتی، صنعت و سرمایه‌گذاران است. این یک مسیر مداوم است که نیاز به به‌روزرسانی و تکامل دارد.

### یادداشت

## روز حسرت

یک مثال کوچک در عدم تصمیم‌گیری‌ها را شاید بتوان ذکر کرد. موضوع واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام به بخش خصوصی برای تکمیل آن، که در گذشته مطرح بوده و به دلیل آیین‌نامه پیچیده هرگز توقیفی در آن حاصل نشده. روش واگذاری می‌تواند مورد تصمیم‌گیری مجدد قرار گیرد اما دولت فقط به فکر آن است که از این بابت وجوهی دریافت کند و به بودجه کل تخصیص دهد. آیا نمی‌توان تصمیمی گرفت که حاصل آن انجام طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام و در خدمت مردم قرار گرفتن آن باشد؟ آیا نمی‌توان مسئله الودگی هوای شهرهای بزرگ را حل کرد؟ آیا نمی‌توان موضوع زباله و آلودگی آب‌ها را حل کرد؟ آیا نمی‌توان مسئله آبخیزداری و آبخوان‌داری را حل کرد؟ حتما می‌توان! همان‌طورکه مسائل سیاسی پیچیده را می‌توان. به شرط آنکه عشق به ایران وجود داشته باشد و سرنوشت مردم برای مسئولان مهم باشد و فقط به سیاست‌های فعلی که یقینا به وضوح پاسخ نداده است و شجاعت و صداقت روبه‌رویی با مسائل و تغییر سیاست‌ها را داشته باشند. واقعا اگر نمی‌توان اینها را حل کرد، پس برای چه زنده هستیم؟



نور خودش را در فضای تاریک رها می‌کند و از آن بالا، از روی سن (مثل قطرات آب سرد که در تابستان از باب «فرح» توی صورت خواهر کوچکت می‌پاشی که خوش‌خوشانش بشود)، توی صورت همه آنهایی که داخل سالن نشسته‌اند می‌پاشد. حجم نور مثل قطرات آبی سرد می‌شود که در چله تابستان، بیکهو توی صورتت پاشیده‌اند؛ هرم گرما را از بین می‌برد و لذتی ملایم، تمام تنت را فرامی‌گیرد. نور می‌رقصد و لذتی ملایم توی فضا می‌پیچد و خودش را به صورت کف و سوت نمایش می‌دهد. مجری با هیجانی گاه تحمیلی، جملاتی را پشت سر هم دریف می‌کند و سعی دارد با چنین تیری، دهان زخمی ناپیدا را باز کند و صدای شععی غیرارادی را از دهان اهالی آن پایین، روی دایره بریزد. اسمی خوانده می‌شود و مردی با چشمان رنگی روی سن می‌آید. بعد حرف‌هایی می‌زند و تندیسری را می‌گیرد و میان هیاهویی نامفهوم، آن بالا را با «دی» که از سایه خود باقی می‌گذارد، ترک می‌کند. دست می‌زنند، کف و سوت و هورا! چشمان مردی اما وسط این معرکه و در میان تاریکی آن پایین برق می‌زند. مردی که یاد «شری» ی پیری را در ذهن زنده می‌کند که سنگینی بار صعود به اورست را بارها و بارها به دوش کشیده و در جشن فتح قله، با لیوانی نوشیدنی آن کنار نشسته است. لیوانی که رد بخار باریک، ممتد و طولانی دهانش‌اش را به بخشی از آسمان همین نزدیک، پیوند می‌دهد و سرمای زیر صفر درجه را به رخت می‌کشد. قصه آن «شری» در همبالیای شبیه همین قصه است که گویی چند هزار کیلومتر آن طرف‌تر، دارد مدام تکرار می‌شود. «شرای هیمالیا» و «کارگران سینمای ایران»…

### آن سوی دوربین

سینما به همین سادگی‌ها هم نیست. اگر قرار باشد از نگاه «خیابانی»، مجری معروف ورزشی، ببینیم: یک طرف، این سوی دوربین است و طرف دیگر آن سوی دوربین. چنین وضعی را فارغ از مزاج داخل چنین توصیفی، می‌شود مثل یک فیلم روایت کرد. دقیقا مشابه آن چیزی که «سلام سینما» سال‌های بسیار دورتر، روایت کرده است. سال‌هایی که به احتمال بسیاری از اهالی جامعه اکنون، بر آن اشرف کافی ندارند. سینما در یک بخش، همین اشک و آهی است که روی پرده نقره‌ای به نمایش درمی‌آید. شعف می‌آورد و گاه هیجان! گاهی از هم گرفتاردهی که به آن دلخوش کرده‌ایم و برایش داستان سروده‌ایم، اشک از چشم سرازیر می‌کنیم و گاه برای نمایشی که چاپلین با دو چنگال و دو تکه نان روی پرده می‌برد، ایستاده کف می‌زنیم و کلاه از سر برمی‌داریم.

اینها اما یک بخش سینماست. بخش دیگر آن، ریشه در واقعیت‌هایی دارد که کف این جامعه می‌شود احساس کرد. واقعیت‌هایی که با قیمت نان، چهره دیگرش را نشان می‌دهد یا افزایش تورم، دستی را می‌لرزاند و زبان به گله‌ای طولانی، باز می‌کند. واقعیت‌هایی که گاهی به زبان طنز آمیخته می‌شود اما در گفت‌وگوی مرحومان عزت‌الله انتظامی و داریوش مهرجویی، بازنمایی می‌شود و البته علی معلمی مرحوم هم گوشه دیگری از کار را می‌گیرد. آن‌طور‌که معلوم است، در ورای این هیاهوها و در میانه رقص نور سینمایی، بخشی از سینما مربوط به معیشت دست‌اندرکاران آن است. دست‌اندرکارانی که هرکدام بنا به فراخور حال در صنف خود تا حدی سازمان پیدا کرده‌اند. آهنگسازان/ بازیگران/ بازیگران و بدلکاران/ بخش‌کنندگان فیلم- تدوینگران/ تهیه‌کنندگان مستند/ جلوه‌های بصری/ جلوه‌های ویژه/ چهره‌پردازان/ دستیاران/ فیلم‌برداران/ دستیاران کارگردان و برنامه‌ریزان/ سینماداران/ تهیه‌کنندگان/ صدابرداران و صداگذاران/ طراحان فنی و مدیران صحنه/ طراحان فیلم/ طراحان مدیران تبلیغات/ عکاسان/ فیلم‌سازان انیمیشن/ فیلم‌نامه‌نویسان/ کارکنان لابراتوار/ کارگردانان/ کارگردانان مستند/ گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم/ مدرسان سینما/ مدیران تدارکات/ مدیران تولید/ مدیران سالن‌های سینما/ منتقدان و نویسندگان سینمایی/ منشیان صحنه و…

اینهایی که نام برده شد (و البته بخش دیگری هم هست که می‌تواند به این فهرست اضافه شود)، گوشه‌ای از حضور صنوف متعدد حاضر در سینما هستند که هرکدام نقش ویژه‌ای در تولیدات سینمایی دارند. سینمایی که



روایتی از زندگی آنهایی که هرکدامشان ۶۰ سال بار سینما را به دوش کشیده‌اند

# «شرپای هیمالیا» و «کارگران سینمای ایران»

**رئیس انجمن بازیگران و بدلکاران خانه سینما در گفت‌وگو با «شرق»: سینما برای ما اول و آخرش «هیچ» است**

### حمیدرضاعظیمی

حبیب ایل‌بیگی، یکی دو سال پیش حین برگزاری جشنواره فیلم فجر درباره‌اش گفته بود: سینمای ایران، یکی از مهم‌ترین سینماهای دنیاست و سالی نزدیک به ۱۲۰ فیلم در کشور تولید می‌شود و به‌جز ابزار، دیگر ارکان فیلم‌سازی داخلی است و پتانسیل بسیاری برای قراردادن یک فرهنگ دارد. به همین دلیل، سعی کردیم فیلم‌هایی را که در رابطه با خانواده و امیدآفرینی و مضامین مثبت بود، به جشنواره هدایت کنیم و جشنواره را به سمت خوبی راهبری کنیم.

### روایت از زبان دبیر

به گمانم چند سال پیش بود که تصاویری از غلام زاپنی سینمای ایران، افتاده بود توی گوشی‌های مردم. تصاویر دست به دست می‌شد و کلی بغض انداخته بودی توی دل همه. یک مستندساز افتاده بود دنبال سیاهی‌لشکرها تا ببیند عاقبت آن چهره‌ها چه شده است؛ سوآلش هم از اساس همین بود. آقای مستندساز می‌خواست ببیند آن چهره‌هایی که گاهی توی فیلم‌ها دیده بودیم‌شان که کتک می‌خوردند یا چند نفری می‌ریختند روی سر این و آن و کتک می‌زدند، حالا کجايند و دارند چه می‌کنند. می‌خواست ببیند حال‌شان چطور است. حال خودشان و حال دل‌شان! بعد گذرش افتاده بود به قهوه‌خانه‌ای که به گمانم اطراف منچهری بود و نزدیک لاله‌زار. قهوه‌خانه‌ای آن‌سوتر از مخابراتدولسه که انکار قرار بود کلسی خاطره را برای‌مان زنده کند. در را که باز کرد، کلی از سیاهی‌لشکرهای سینما و آنهایی که چهره‌های‌شان را بارها و بارها در فیلم‌های معروف دیده بودیم، جلوی چشم حاضر می‌شدند. دوربین ردیف به ردیف داخل قهوه‌خانه می‌چرخید و کلی کتک‌خور معروف که هم از جمشید آریا کتک خورده بودند و از بهروز وثوقی، و هم توی دزد عروسک‌ها بازی کرده بودند، روی صندلی‌ها نشسته بودند و داشتند با آب‌وتاب از دوره روی بورس بودن حرف می‌زدند. از دوره‌ای که سر کار می‌رفتند و توی فیلم‌ها هرچند در نقش کتک‌خور حضور داشتند اما حضور داشتند. بعد هم انکار که حضور در آن فیلم‌ها برای‌شان نوستالژی شده باشد، با آه و حسرت از آن روزها یاد می‌کردند. غلامحسین میرزایی معروف به «غلام زاپنی» را خیلی‌های‌تان می‌شناسید. حتی اگر اسمش را ندانید و یکی از این فیلم‌های فارسی را دیده باشید، بعید است در آن ردش را نبینید. آدمی که برخلاف چهره‌اش همه از مهربانی‌اش حرف می‌زنند. توی تصاویر هم آقا غلام دیگر آن آخر نمی‌تواند بغضش را فروبخورد و شکستش را به نمایش نکذارد. می‌نشیند گوشه قهوه‌خانه از آن روزها و این روزها تعریف می‌کند و یک دل سر هم اشک می‌ریزد. آقا غلام گلابه زیاد داشت و هنوز هم دارد اما اینکه دل و دماغی مانده باشد که بخواهد حدیث این ۴۰-۴۵ سال سینمایی را روایت کند، آن روز توی قهوه‌خانه روایت می‌کرد اما حالا دیگر به گمانم حوصله‌اش یاری نمی‌کند. غلام زاپنی و بسیاری دیگر از همکارانش بر این موضوع تأکید دارند: ما هنور هستیم اما باید برای ایفای نقش هنروری، التماس کنیم؛ چون سینما رحم ندارد و به ما هم رحم نکرد. «از سال ۴۸ وارد سینما شدم. تو خیابون منوچهری تو کوچه ارباب جمشید! ولی الان هیچی. انکار در این وادی فراموش شده‌ایم. حتی همه ما یک کارت درست کرده‌ایم و زیر عکس‌مان نوشته‌ایم: زمین‌خورده سینما؛ ما واقعا زمین‌خورده سینما هستیم.»

غلام زاپنی و بسیاری دیگر از هم‌نسلان او به این موضوع گرفتارند. کسانی که تصور می‌کنند روزگاری برای سرگرمی مردمان این‌ مرزوبوم و البته علاقه خودشان، وارد این گردونه شده‌اند و خیلی ناجوانمردانه از این سیکل حذف شده‌اند و هیچ‌کس هم حواس‌شان به اینها نیست. غلامحسین میرزایی بر این موضوع تأکید دارد که پیش‌ازاین هنروران یا سیاهی‌لشکرها، دست‌مزد دریافت می‌کردند اما حالا برخی برای اینکه در فیلم حتی به عنوان هنرور حاضر شوند، پول می‌دهند: «من حدود ۳۰۰تا فیلم بازی کردم و از همه هنورها پرکارت بودم. از زندان عروسی و دادسرا بگیر تا همه‌جا. هم دوربین را خوب می‌شناسم، هم جایی که باید جلوی دوربین قرار بگیرم، اما چه فایده…».

## روزنه

### آمار ندهیم؛ عملکرد مناسب با آمار تفاوت دارد

شهرام غفاری درباره مشکل کمبود نیرو در مراکز درمانی گفت: باید در زمان گلنگزنی هر مرکز، پیش‌بینی لازم را درباره تامین نیروی آن مرکز انجام دهیم. غفاری، معاون درمان سازمان تامین اجتماعی، از آخرین مراحل ساخت بخش آنژیوگرافی و جراحی قلب باز بیمارستان فارابی مشهد بازدید کرد. او ضمن بازدید از بیمارستان فارابی مشهد، از بررسی چالش‌های سازمان تامین اجتماعی در حوزه سلامت خبر داد و گفت: مسائل و مشکلات مختلف حوزه درمان و سلامت را شناسایی کرده‌ایم تا بتوانیم به نحو مطلوب در جهت رفع موانع حرکت کنیم. او در ادامه از لزوم بازنگری در نظام تصمیم‌گیری در سطوح کلان سازمان سخن گفت و اذعان کرد: باید با تحلیل و بررسی نوع تفکر در سیستم مدیریتی و نظام تصمیم‌گیری، به مسائل به صورت ریشه‌ای و فرایندی بنگریم. معاون درمان سازمان تامین اجتماعی درباره مشکل کمبود نیرو در مراکز درمانی خاطرنشان کرد: باید در زمان گلنگزنی هر مرکز، پیش‌بینی لازم را درباره تامین نیروی آن مرکز انجام دهیم و در مدت انجام و ساخت پروژه، مراحل آزمون، جذب و استخدام نیروها صورت گیرد. غفاری در پایان با تأکید بر این موضوع که عملکرد مناسب با عملکرد آماری تفاوت دارد، افزود: با حضور سیستم‌های پیشرفته امروزی، نظام سلامت دگرگون شده است و باید بتوانیم متناسب با نیاز روز در مسیر درست حرکت کنیم تا از منابع مالی بیمه‌شدگان صیانت کنیم.

### مصرف برق رمزارزها به اندازه شهر تهران است

ناترازی حدود ۲۰ هزار مگاواتی در تابستان امسال اگرچه برای صنعت کشور عدم‌النفع چندهارمیلیاردی در پی داشت، اما واقعیت این است که شرایط برای صنعت برق به مراتب وخیم‌تر است؛ زیرا ماجرا به فصل گرم ختم نشد و خاموشی با بهانه کمبود سوخت خود را به پاییز و زمستان هم رساند. آنچه مسلم است، سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت‌ها، اجرای پروژه نیروگاهی را به قهقرا برد، سرمایه‌گذار این حوزه را به ورشکستگی کامل کشاند، صنعت را تعطیل و چراغ خانه‌ها را خاموش کرد. جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات و کارشناس حوزه انرژی، درباره این‌موضوع گفت: مصاف رمزارزها یکی از چالش‌های بزرگ پیش‌روی صنعت برق است و در این رابطه مقصر اول مجلس و بعد ناکارآمدی وزارت نیرو و نهادهای نظارتی و تحریم است. انکسور رمزارزها به اندازه شهر تهران مصرف برق دارند و تاکنون برای جلوگیری از این میزان مصرف اقدامی جدی صورت نگرفته است و آثار این عدم شفافیت به مردم تحمیل می‌شود که قاچعبار است.

او در ادامه افزود: بنده در تیرماه اعلام کردم به خاطر کمبود منابع برق، آب سدها تخلیه شد تا از نیروگاه‌های برقایی خارج از برنامه تنظیمی استفاده و کسری برق را جبران کنند. با این برنامه در نظر داشتند خاموشی را عقب انداخته و به دولت پزشکیان انتقال دهند. آن زمان در پاسخ به اظهارات بنده گفتند جوسازی است و رهاسازی آب مطابق سال‌های قبل است، اما به هر حال اثبات شد که این‌گونه نیست. امروز هم که شاهدیم مخازن سوخت نیروگاهی را تخلیه و صادر کردند.

اسام درباره ریشه ناترازی به خبرنگار ایلنا گفت: بحث ناترازی واژه‌ای است که همه از آن استفاده می‌کنند، اما هنوز تراز را مشخص نکرده‌ایم تا بتوانیم بگویم در این زمینه با ناترازی مواجهیم. یکی از مباحث جدی، صرف‌نظر از بحث کمبودها و سوءمدیریتی که کشور با آن مواجه است، این است که اگر درد را نپذیریم، به دنبال تشخیص و درمان نخواهیم رفت. واقعیت امروز انرژی به سال ۱۳۸۳ و زمانی که مجلس هفتم بر سر کار آمد، برمی‌گردد.

سینما برای ما اول و آخرش «هیچ» است.

### آمار ندهیم؛ عملکرد مناسب با آمار تفاوت دارد

شهرام غفاری درباره مشکل کمبود نیرو در مراکز درمانی گفت: باید در زمان گلنگزنی هر مرکز، پیش‌بینی لازم را درباره تامین نیروی آن مرکز انجام دهیم. غفاری، معاون درمان سازمان تامین اجتماعی، از آخرین مراحل ساخت بخش آنژیوگرافی و جراحی قلب باز بیمارستان فارابی مشهد بازدید کرد. او ضمن بازدید از بیمارستان فارابی مشهد، از بررسی چالش‌های سازمان تامین اجتماعی در حوزه سلامت خبر داد و گفت: مسائل و مشکلات مختلف حوزه درمان و سلامت را شناسایی کرده‌ایم تا بتوانیم به نحو مطلوب در جهت رفع موانع حرکت کنیم. او در ادامه از لزوم بازنگری در نظام تصمیم‌گیری در سطوح کلان سازمان سخن گفت و اذعان کرد: باید با تحلیل و بررسی نوع تفکر در سیستم مدیریتی و نظام تصمیم‌گیری، به مسائل به صورت ریشه‌ای و فرایندی بنگریم. معاون درمان سازمان تامین اجتماعی درباره مشکل کمبود نیرو در مراکز درمانی خاطرنشان کرد: باید در زمان گلنگزنی هر مرکز، پیش‌بینی لازم را درباره تامین نیروی آن مرکز انجام دهیم و در مدت انجام و ساخت پروژه، مراحل آزمون، جذب و استخدام نیروها صورت گیرد. غفاری در پایان با تأکید بر این موضوع که عملکرد مناسب با عملکرد آماری تفاوت دارد، افزود: با حضور سیستم‌های پیشرفته امروزی، نظام سلامت دگرگون شده است و باید بتوانیم متناسب با نیاز روز در مسیر درست حرکت کنیم تا از منابع مالی بیمه‌شدگان صیانت کنیم.

### مصرف برق رمزارزها به اندازه شهر تهران است

ناترازی حدود ۲۰ هزار مگاواتی در تابستان امسال اگرچه برای صنعت کشور عدم‌النفع چندهارمیلیاردی در پی داشت، اما واقعیت این است که شرایط برای صنعت برق به مراتب وخیم‌تر است؛ زیرا ماجرا به فصل گرم ختم نشد و خاموشی با بهانه کمبود سوخت خود را به پاییز و زمستان هم رساند. آنچه مسلم است، سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت‌ها، اجرای پروژه نیروگاهی را به قهقرا برد، سرمایه‌گذار این حوزه را به ورشکستگی کامل کشاند، صنعت را تعطیل و چراغ خانه‌ها را خاموش کرد. جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات و کارشناس حوزه انرژی، درباره این‌موضوع گفت: مصاف رمزارزها یکی از چالش‌های بزرگ پیش‌روی صنعت برق است و در این رابطه مقصر اول مجلس و بعد ناکارآمدی وزارت نیرو و نهادهای نظارتی و تحریم است. انکسور رمزارزها به اندازه شهر تهران مصرف برق دارند و تاکنون برای جلوگیری از این میزان مصرف اقدامی جدی صورت نگرفته است و آثار این عدم شفافیت به مردم تحمیل می‌شود که قاچعبار است.

او در ادامه افزود: بنده در تیرماه اعلام کردم به خاطر کمبود منابع برق، آب سدها تخلیه شد تا از نیروگاه‌های برقایی خارج از برنامه تنظیمی استفاده و کسری برق را جبران کنند. با این برنامه در نظر داشتند خاموشی را عقب انداخته و به دولت پزشکیان انتقال دهند. آن زمان در پاسخ به اظهارات بنده گفتند جوسازی است و رهاسازی آب مطابق سال‌های قبل است، اما به هر حال اثبات شد که این‌گونه نیست. امروز هم که شاهدیم مخازن سوخت نیروگاهی را تخلیه و صادر کردند.

اسام درباره ریشه ناترازی به خبرنگار ایلنا گفت: بحث ناترازی واژه‌ای است که همه از آن استفاده می‌کنند، اما هنوز تراز را مشخص نکرده‌ایم تا بتوانیم بگویم در این زمینه با ناترازی مواجهیم. یکی از مباحث جدی، صرف‌نظر از بحث کمبودها و سوءمدیریتی که کشور با آن مواجه است، این است که اگر درد را نپذیریم، به دنبال تشخیص و درمان نخواهیم رفت. واقعیت امروز انرژی به سال ۱۳۸۳ و زمانی که مجلس هفتم بر سر کار آمد، برمی‌گردد.